

ترکیه شریک جذاب منطقه ساحل

تعامل ترکیه در منطقه ساحل پیش از بحران امنیتی در این منطقه آغاز شد. تجارت ترکیه و مالی در دو دهه گذشته با افزایش ۳۲۰۰ درصدی از پنج میلیون دلار در سال ۲۰۰۳ به ۱۶۵ میلیون دلار در سال ۲۰۲۲ رسیده است. شرکت‌های ترک در توسعه زیرساخت‌ها در نیجر نقشی کلیدی داشته‌اند. این روابط پایه‌ای محکم را برای همکاری دفاعی ایجاد می‌کند.

همکاری دفاعی ساحل با ترکیه از سال ۲۰۱۸ به‌طور پیوسته افزایش یافت. آنچه با تعهد پنج میلیون دلاری ترکیه به نیروی مشترک G5 ساحل (که اکنون منحل شده) آغاز شد، به مشارکتی گسترده‌تر تبدیل شد. تصمیم آمریکا برای توقف کمک‌های دفاعی در پی کودتاها در بوركینافاسو، چاد، مالی و نیجر توانایی این کشورها برای نگهداری و تهیه تجهیزات آمریکایی را مختل کرد. با وخامت امنیت منطقه و رکود کمک‌های غربی، ترکیه به یک شریک جذاب تبدیل شد.

فروش تجهیزات نظامی سنگین‌ای همکاری دفاعی ساحل-ترکیه است. این همکاری در سال ۲۰۲۲ و زمانی آغاز شد که بوركینافاسو، مالی و نیجر پهپادهای «بیرقدار تی-بی۲۲» ترکیه را دریافت کردند. این خریدها نشان‌دهنده یک تغییر در تدارک تجهیزات و چرخش کشورها به‌سوی آنکارا بود.

این رابطه به پهپاد محدود نشد: بوركینافاسو و چاد در سال ۲۰۲۲ خودروهای زرهی ترکیه را خریدند. این همکاری زمانی گسترش یافت که نیجر با خرید هواپیماهای ترکیه در سال ۲۰۲۲ به اولین مشتری صادراتی یک هواپیمای کاملاً ترکیه‌ای تبدیل شد. چاد نیز در سال ۲۰۲۳ همان هواپیما را خریداری کرد. تجهیزات ترک شکاف‌های شدید امنیتی ارتش‌های ساحل را برطرف کرده و قابلیت‌های جدیدی در اختیارشان قرار داد.

فروش تجهیزات نظامی به رشد روابط و نفوذ ترکیه کمک و همکاری با کشورهای ساحل مسیره‌ای جدیدی را برای آنکارا فراهم می‌کند تا منافع منطقه‌ای خود را دنبال کند. یک گزارش اطلاعاتی ترکیه در سال ۲۰۲۴ نیجر را یک «شریک راهبردی» خواند که نفوذ آنکارا در آفریقا را گسترش می‌دهد.

این روابط به ترکیه امکان رقابت با رقبای می‌دهد. به‌نظر برخی تحلیلگران گسترش روابط ترکیه به آنکارا کمک می‌کند تا فرانسه و امارات را دور بزند. به‌علاوه، روابطش با کشورهای ساحل به محدود کردن جنبش گولن کمک کرده است.

کشورهای ساحل، آنکارا را یک شریک امنیتی مهم می‌دانند. همکاری‌های دفاعی ممکن است به‌فراز از فروش تجهیزات نظامی گسترش یابد. خبرگزاری فرانسه در سال ۲۰۲۴ گزارش داد که شرکت خصوصی نظامی-امنیتی «سادات اینترنشنال دیفنس» در منطقه ساحل مستقر شده و هزار نیروی سوری دارای قرارداد با سادات در نیجر مستقر شده‌اند تا «از پروژه‌ها و منافع ترکیه محافظت کنند.» سادات و وزارت دفاع ملی ترکیه این ادعاها را تکذیب کرده‌اند اما مجله «آفریقا دیفنس فوروم» نیز گزارش داد که بنا به اعلام ترکیه «این نیروها مستقر شده‌اند تا به مشاوره و حفاظت از منافع ترکیه، از جمله معادن، بپردازند.» بر اساس گزارش «ژون آفریک» سادات در اواسط ۲۰۲۴ در مالی مستقر شده و نیروهای نظامی این کشور را آموزش داده است. پرسنل سادات در میان یگان‌های تخبه وفادار به رئیس‌جمهور مالی ادغام شده‌اند و به آن‌ها آموزش داده‌اند تا از وقوع کودتا جلوگیری کنند. این ادعا در صورت صحت، نشان می‌دهد که ترکیه از ابزارهای جدیدی برای تعمیق شراکت‌ها و پاسخگویی به نیازهای امنیتی رژیم‌ها استفاده می‌کند.

گزارش‌های پراکنده‌ای هم وجود دارد که نشان می‌دهد ترکیه در حال گسترش حضور نظامی آشکار خود است. در فوریه ۲۰۲۵، «میلتری آمریکا» گزارش داد که چاد کنترل یک پایگاه نظامی در شهر «آیشه» را به ترکیه واگذار کرده است. در صورت تأیید، این نخستین پایگاه ترکیه در منطقه ساحل خواهد بود. همچنین این اقدام می‌تواند به‌عنوان عنصری جدید در همکاری‌های دفاعی در نظر گرفته شود.

تحت برخی شرایط همکاری با ترکیه می‌تواند اهداف منطقه‌ای آمریکا را پیش ببرد. کشورهای ساحل برای مقابله با تهدیدات افزون‌روز تروریستی نیازمند کمک‌های دفاعی هستند که آمریکا اغلب قادر به ارائه آن نیست. کمک‌های ترکیه با محدودیت‌های قانونی مشابه مواجه نیست. هواپیماها، خودروهای زرهی و پهپادهای ترکیه تحرک نیروها را بهبود بخشیده و به نظامیان کمک می‌کنند تا به مقابله با پایگاه‌های تروریستی بپردازند. همکاری با ترکیه می‌تواند به نیروهای نظامی منطقه در مدیریت تهدید گسترش عملیات‌های تروریستی کمک کند.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

جمعه این هفته دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در آلاسکا دیدار خواهد کرد تا درباره آتش‌بس احتمالی در اوکراین گفت‌وگو کنند؛ دیداری که از سال ۲۰۲۱ (زمانی که جو بایدن با پوتین در ژنو دیدار کرد) برای اولین بار میان رهبران این دو کشور برگزار می‌شود. ترامپ و پوتین آخرین بار سال ۲۰۱۹ با یکدیگر دیدار کردند و این اولین بار پس از یک دهه است که پوتین وارد خاک آمریکا می‌شود. یوری اوشاکف، یکی از مشاوران پوتین به سی‌ان‌ان گفته است که ترامپ هم‌اکنون برای دیدار بعدی به روسیه دعوت شده است.

ترامپ در کاخ سفید درباره مهلت زمانی که برای پوتین تعیین کرده که یا به توافق صلح برسد یا با اعمال تعرفه‌های ۱۰۰درصدی روبه‌رو شود ادعا کرد که درگیری روسیه و اوکراین به‌زودی حل می‌شود. ترامپ همچنین گفت که اوکراین باید به‌عنوان بخشی از معاهده صلح اراضی تحت تصرف روسیه را واگذار کند. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین نیز هر گونه توافقی که شامل اهدای اراضی اوکراین باشد را رد کرده است. سایمون شوستر، خبرنگار ارشد تایم در گزارشی به کانال مخفی کاخ سفید پرداخته که راه را برای نشست پوتین و ترامپ باز کرده است؛ کانالی که از طریق الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهور بلاروس و متحد پوتین ایجاد شده است. در ادامه خلاصه‌ای از گزارش شوستر را می‌خوانیم:

برای مصاحبه با رئیس یک کشور، روزنامه‌نگار معمولاً اولین گام را برمی‌دارد و درخواستی را به اداره ارتباطات و رسانه‌ای با این امید که کسی پاسخ دهد، می‌فرستد. هرآنگاه‌ی، زمانی که رئیس‌جمهور واقعا می‌خواهد گفت‌وگو کند، ممکن است دعوتش مسیر دیگری به‌خود بگیرد. اما به‌ندرت پیش آمده که از میان پیشنهاداتی که بهار امسال به من شده به اندازه اطرافیان الکساندر لوکاشنکو، دیکتاتور بلاروس، پیگیر ومداوم باشند.

هنوز مشخص نبود که افراد واسطه چه می‌خواستند. من هیچ‌وقت به بلاروس نرفته بودم و مطالب زیادی درباره‌اش ننوشته بودم، اما پوشش خبری کشورهای همسایه، روسیه و اوکراین، من را به ادراکی از داستان لوکاشنکو رسانده بود. در اروپا او افتخار دوگانه طولانی‌ترین رهبر در قدرت را دارد؛ ۳۱ سال حیرت‌انگیز بدون وقفه، به این معنا که اکثر جمعیت ۹ میلیون نفری این کشور محصور در خشکی هیچ رهبر دیگری را در بزرگسالی خود ندیده‌اند. رژیم او هم در میان سرکوب‌گرترین و انزواگرایانه‌ترین در جهان است؛ روابط بد و تقریباً بدون تجارت با ۴ همسایه و تقریباً وابستگی کامل به پنجمین همسایه: روسیه.

به قول گفته‌های به‌یادماندنی یکی از کارشناسان سیاست منطقه، بلاروس مثل «بالکن روسیه» با منظره اروپا عمل می‌کند؛ استعاره‌ای عجیب و غریب که نشان‌دهنده روشی است که روسیه از نقطه ضعف آن برای پرتاب بمب، استقرار سلاح‌های هسته‌ای و آغاز حملات خود استفاده می‌کند. از سال ۲۰۲۲، تلاش‌های روسیه برای تصرف اوکراین به بلاروس به‌عنوان منطقه آماده‌سازی، پایگاه آموزشی و منبعی از تجهیزات و مهمات وابسته بوده است. لوکاشنکو از ارسال سربازان خود به مبارزه در این جنگ خودداری کرده است، اما اوکراین، مثل بیشتر اروپا همچنان او را هم‌دست ولادیمیر پوتین در بدترین حمله‌ای می‌بیند که این قاره در ۸۰ سال اخیر به خود دیده است. بنابراین برای من تصمیم مسلمی نبود که به تماس ماه می از یکی از مقامات دولت لوکاشنکو که به‌نظر می‌آمد در مواجهه با رسانه‌های غربی تازه‌کار باشد، پاسخ دهم. بعد از چند دقیقه گفت‌وگو این شخص سوال کرد که برای گفت‌وگو با مجله تایم چقدر هزینه باید پرداخت کند و زمانی که فهمید در این فرآیند هیچ نوع رشوه‌ای قابل قبول نیست گیج و مبوهت به‌نظر می‌رسید. او گفت: «گفتم بپرسم تا بعداً هیچ سوءتفاهمی پیش نیاید.» پس از چند تماس تلفنی دیگر و رد و بدل کردن پیام‌ها، ما بر سر شرایط گفت‌وگو توافق کردیم؛ اینکه در مینسک، پایتخت بلاروس انجام شود بدون اینکه هیچ سوال یا موضوعی از قلم بیفتد. کمی بعد، پس از چندین مکالمه با دیپلمات‌های آمریکایی و اروپایی، انگیزه‌های لوکاشنکو مشخص شد.

از آغاز امسال، این رهبر اتوکرات دیالوگ محرمانه‌ای را با دولت ترامپ دنبال کرده و خدمات خود را به‌عنوان نجواگر پوتین ارائه می‌کند. او مقامات آمریکایی را راهنمایی کرد که چگونه مسیر گفت‌وگوها با کرملین را حفظ کنند، به آنها تضمین‌هایی داد مبنی بر اینکه روس‌ها حتی با اینکه حملات بمباران خود را علیه اوکراین ادامه می‌دادند، آماده بودند تا با حسن‌نیت مذاکره کنند. لوکاشنکو با استفاده از تمام مسیرهای در دسترس به واشنگتن، چشم‌انداز صلح را به گونه‌ای که برای جلب توجه رئیس‌جمهور دونالد ترامپ طراحی شده بود، مطرح کرد. او به طرف‌های آمریکایی خود گفت: «اگر به توافق برسیم، آنها جایزه نوبل صلح را در یک سینی می‌آورند.»

آمریکایی‌ها هم همکاری کردند. با گذشت یک‌ماه از مراسم تحلیف ترامپ در ماه ژانویه، مقامات آمریکایی اولین دیدار از حداقل ۵ بار سفر خود به مینسک برای کشف اینکه لوکاشنکو چه دستاوردهایی می‌تواند داشته باشد، انجام دادند. در این



تیمکس: Maxim Shemetov

مینسک، شریک در قدرت ر کانال مخفی کاخ سفید که راه را برای دیدار ترامپ با پوتین

بدهد، همانگونه که در ماه‌های اخیر با طولانی کردن مذاکرات و خرید زمان برای ارتش برای ادامه تصرف اراضی اوکراین و کشتار مردمش انجام داده است.

لوکاشنکو که به عنوان میانجی عمل کرده به‌نظر برای کناره‌گیری آماده می‌آید. امانش او برای آماده‌سازی مقدمات این نشست جزئیات بسیاری را درباره مخاطرات گامی دیپلماتیک اخیر ترامپ نشان می‌دهد. همانگونه که لوکاشنکو زمانی که بالاخره در مینسک دیدار کردیم توضیح می‌دهد، تمام ماجرا ممکن است از هم فرو بیاشد مگر اینکه ترامپ با احترام کافی با پوتین رفتار کند. او به من می‌گوید: «باید کاری کنید که خوب به‌نظر بیاید. به‌نام صلح، شاید لازم باشد کمی زیرک باشی و امتیازهایی بدهی. حتی اگر نتوانید از کارهای پوتین سردر بیاوری باید با او همانند یک انسان رفتار کند.» به عبارت دیگر داستان کانال پشت‌پرده از طریق بلاروس می‌تواند پیش‌درآمدی برای تسلیم اوکراین باشد.

برای یک مسافر آمریکایی، مسیر رسیدن به بلاروس دردآور است. تحریم‌های آمریکا و اروپا آنقدر کشور را بسته نگه داشته که پروازهای خارجی دیگر به این کشور پرواز نمی‌کنند. مستقیم‌ترین مسیر نیازمند پرواز به لیتوانی، حاشیه شرقی ائتلاف ناتو، و سپس عبور با ماشین از مرزی به‌شدت محافظت‌شده است. در طول مسیر، در لیتوانی روی یکی از علائم جاده‌ای کنار اتوبان برای کسانی که به سمت شرق حرکت می‌کنند، هشدار می‌دهد: «مینسک، اشغال شده توسط کرملین.»

اولین فرستاده آمریکا که از طرف دولت ترامپ این سفر را طی کرد، کریستوفر اسمیت، معاون دستیار وزیر امور خارجه در امور شرق اروپا بود که از تابستان ۲۰۲۳ بر سیاست آمریکا در قبال بلاروس، اوکراین و دیگر بخش‌های این منطقه نظارت می‌کند. اسمیت که یک دیپلمات حرفه‌ای است که زبان روسی را روان صحبت می‌کند، پس از سفر به مینسک در اوایل امسال هیچ دیدار دیگری با لوکاشنکو نداشته است. او در دولت بایدن سیاست آمریکا را در قبال بلاروس اعمال کرد که اغلب به آن «فشار حداکثری» می‌گویند. برای انزوای اقتصاد لوکاشنکو و تنبیه او برای همسویی با روسیه در جنگ از تحریم‌ها استفاده کرد. با اعمال چنین هزینه‌هایی استراتژی این بود که او در ائتلاف خود با مسکو تجدیدنظر کند.

این امر تاثیر عکس داشته است. قطع تجارت با غرب باعث شد بلاروس برای تجارت وابستگی بیشتری به روسیه پیدا کند و در سطحی کمتر از آن به چین، بدترین شرایط در رویارویی

فرآیند، آنها وجهه بلاروس به‌عنوان کشوری طردشده را بهبود بخشیدند، آزادی چندین زندانی سیاسی مهم را رقم زدند و کانال پشت‌پرده‌ای را از طریق مینسک با کرملین ایجاد کردند. در این چارچوب، تمایل لوکاشنکو برای گفت‌وگو با تایم معنادار بود. آنچه کمتر واضح بود این بود که آیا او میانجی‌گر صلیی است که به ابتکار خود عمل می‌کند یا عروسکی در دستان کرملین. آمریکایی‌ها شک و شبهه‌های خود را داشتند.

جان کول، وکیل پیشین ترامپ که امسال چندین بار از سوی دولت آمریکا با لوکاشنکو دیدار کرده می‌گوید: «ما ساده‌لوح نیستیم. او دوست پوتین است. آنها به‌طور مرتب با یکدیگر صحبت می‌کنند و او پیشنهاد داده که پیام‌های ما را به پوتین بدهد. این یک کانال است، درست است؟» بسیار ارزشمند است.» او اضافه می‌کند، آمریکایی‌ها از این کانال استفاده کردند تا ایده برگزاری نشست بین پوتین و ترامپ را تشویق کنند. آنها امیدوار بودند که در رودرو نشستن ترامپ و پوتین به شکست بن‌بست در روند صلح کمک کنند. همانگونه که کول با استفاده از اسم مستعار رایج برای لوکاشنکو می‌گوید: «همیشه لوکا را تشویق می‌کردند که (پیشنهاد) دیدار را به پوتین بگوید.» در بیشتر روزهای بهار و تابستان، تلاش‌ها مختل شد و تنش‌ها افزایش پیدا کرد. خطوط مستقیم تماس بین دو قدرت به آشفتگی تهدیدهای هسته‌ای، توهین‌ها و اوتلیماتوم‌ها تبدیل شدند. در ماه اوت، ترامپ تعرفه‌های سنگینی را بر هر کشوری که از روسیه نفت می‌خرد، اعمال کرد و وعده داد تا زمانی که مسکو آتش‌بس در اوکراین را بپذیرد، فشارهای اقتصادی را افزایش دهد. پوتین امتناع کرد. ارتش او آماده بود تا در «سراسر کل جبهه» پیشروی کند تا اینکه روسیه به پیروزی برسد.

در تمام این مدت، لوکاشنکو همچنان پیام‌بسیار متفاوتی را برای آمریکایی‌های فرستاد: دیکتاتور بلاروس به آنها اطمینان می‌داد که پوتین صلح می‌خواهد و آماده است که امتیازاتی بدهد. این سیگنال‌ها بر امیدها در داخل کاخ سفید دامن زد که به‌زودی امکان رسیدن به دستاوردی دیپلماتیک وجود دارد و آنها به آماده‌سازی زمینه‌ها برای اعلان دیدار حضوری رهبران روسیه و آمریکا در ششم اوت کمک کردند.

حالا پس از گذشت بیش از سه سال و نیم پایان جنگ ممکن است به دو ابر قدرت هسته‌ای واگذار شود. مقدمات مذاکرات اکنون در حال انجام است و این مذاکرات فرصت تازه‌ای برای اعلام آتش‌بس ارائه می‌دهند. این مذاکرات همچنین می‌تواند به پوتین فرصتی برای طولانی کردن جنگ